



# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۱۰ صبح ۱۴ دقیقه: ۹۰ دقیقه

شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷  
رشته فقه و روای مهر ۹۶

مهر مدرسه

کتاب: ۳۹۷۱/۰۹	موضوع: ۱۳۹۷/۱۰/۲۷
موضوع: ۳	کتاب: دروس فی علم الاصول «الحلقة الثالثة»
موضوع: ۳۴۰-۴۱۷	موضوع: ۱۵-۸۰

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد پستی: ..... مدرسه: ..... استان: .....

۰/۵

۱- در چه مرحله‌ای قید «علم به حکم» می‌تواند در موضوع احکام اخذ شود؟ جزء اول ص ۳۴۴ س ۱۰

- الف. در مرحله جعل
- ب. در مرحله ملاک
- ج. در مرحله مجعول
- د. در مرحله اراده

۰/۵

۲- نظر شهید صدر<sup>(ه)</sup> در مورد ملازمه شرعی بین «ذی المقدمه» و «مقدمه» چیست؟ جزء اول ص ۳۷۰ س ۶

- الف. وجود ملازمه در مرحله ایجاب
- ب. وجود ملازمه در مرحله جعل
- ج. وجود ملازمه در مرحله اراده
- د. عدم وجود ملازمه مطلقاً

۰/۵

۳- آیا در مقام اثبات، بین دو اصل عملی عقلی، تعارض امکان دارد؟ جزء دوم ص ۱۹

- الف. لا، لعدم التناقض بین ادراکین عقلین
- ب. نعم، ولكن يرتفع بالتخصيص والحكومة
- ج. نعم، لوقوع تعارض الاصول كثيراً فی الفقه
- د. لا، لامکان رفعه بالتخصيص والحكومة

۴- در مسأله «اذا كان الشك في الموضوع الخارجي كما اذا لم يحرز كون فرد ما مصداقاً للموضوع الخارجي فان كان اطلاق التكليف بالنسبة اليه شمولياً» چه اصلی جاری می‌شود؟ جزء دوم ص ۷۲

۰/۵

- الف. اصالة العموم
- ب. اصالة الاطلاق
- ج. اصالة الاشتغال
- د. اصالة البرائة

۵- استدلال در عبارت: «ان قصد امتثال الامر متأخر رتبة عن الامر لتفرعه عليه فلو اخذ قيذا لكان داخلا في معروض الأمر ضمنا و متقدماً على الامر تقدم المعروض على عارضه» را در مورد «استحاله اخذ قصد امتثال امر در وجوب» تبیین کرده، پاسخ شهید صدر<sup>(ه)</sup> را بنویسید.

۲

ص ۳۵۱ - ۲ نمره

جواب: قصد امتثال امر رتبة متأخر از امر است زیرا ابتدا باید امری باشد تا مکلف قصد امتثال آن را داشته باشد پس اگر قصد امتثال امر به عنوان قید در امر و وجوب اخذ گردد داخل در معروض (متعلق) امر می‌شود و با توجه به اینکه معروض مقدم بر عارض است، پس قصد امتثال امر مقدم بر امر است در نتیجه یک چیز هم متقدم و هم متأخر است که استحاله دارد.

پاسخ شهید صدر<sup>(ه)</sup> آنچه که متأخر از امر است ثبوت قصد امتثال در خارج است و آنچه که مقدم بر امر است مفهوم و تصور ذهنی قصد امتثال امر نزد مولا است پس محذوری لازم نمی‌آید.

۶- دلیل قائلین به «کفایت تعدد عنوان در رفع تنافی اجتماع امر و نهی حتی با وحدت معنون» را تبیین کرده، چرا بنابر تقریب مرحوم

۲

نائینی<sup>(ه)</sup> از تنافی [یعنی تنافی بین «نهی از حصه» و «ترخیص در تطبیق»] این دلیل وجیه نیست؟ جزء اول ص ۳۸۷ - ۲ نمره

جواب: احکام به عناوین و صورت‌های ذهنی تعلق گرفته است نه وجود خارجی پس اگر عنوان متعدد باشد برای رفع تنافی کفایت می‌کند، این وجه، تنافی به لحاظ وجوبات مشروطه را دفع می‌کند ولی بنابر نظر مرحوم نائینی<sup>(ه)</sup> که تنافی را بین نهی از حصه و ترخیص در تطبیق می‌داند، این دلیل وجیه نیست زیرا حتی در صورتی که حکم به عناوین تعلق بگیرد اطلاق امر بیانگر ترخیص در تطبیق است و بدون تردید ترخیص منافی تحریم است.

۷- تحویل قطع طریقی به قطع موضوعی در «دلیل عقلی» را تبیین کرده، یک دلیل شهید صدر<sup>(ه)</sup> بر عدم قبول آن را بنویسید. جزء اول

ص ۴۱۴ و ۴۱۵ - ۲ نمره

۲

جواب: برخی مانند محقق نائینی<sup>(ه)</sup> برای امکان انفکاک حجیت از دلیل عقلی قائل شده‌اند که می‌توان قطع در دلیل عقلی را به قطع موضوعی تحویل برد به این صورت که عدم قطع عقلی قید در موضوع حکم مجعول باشد. شهید صدر<sup>(ه)</sup> این استدلال را نمی‌پذیرد و آن را با دو دلیل رد می‌کند: ۱. قطع عقلی به حکم که عدمش در موضوع مجعول اخذ شده است یا قطع به مجعول است که استحاله آن واضح است و یا قطع به جعل است که اگر چه استحاله ندارد ولی خلاف مفروض است زیرا مفروض این است که دلیل عقلی بر ثبوت تمام ملاک حکم قائم شده است، چطور ممکن است قید دیگری را نیز تصدیق نماید. [اگر عقل حکمی کند یا تمام ملاک را کشف کرده، که در این صورت قطع به جعل مساوی قطع به مجعول است و قید دیگری مثل عدم قطع عقلی ثابت نیست و یا تمام ملاک را کشف نکرده در این صورت ظنی است نه قطعی] ۲. قطع عقلی دائماً اثبات حکم نمی‌کند و گاهی نیز مانند «استحالة الامر بالضدین ولو علی وجه الترتب» نافی حکم است، آیا با توجه به چنین ادله عقلی باز می‌توان گفت: شارع حکم مستحیل جعل کرده است. [نوشتن یک دلیل برای جواب کفایت می‌کند]

۸- با توجه به عبارت «و قد اعترض الشيخ الأنصاری<sup>(ه)</sup> علی دعوی إطلاق اسم الموصول باستلزامه استعمال الهيئة القائمة بالفعل و المفعول فی معینین» اشکال شیخ<sup>(ه)</sup> بر دلالت آیه شریفه «لا یکلف الله نفساً ألاً ما آتاه»<sup>(ه)</sup> (طلاق: ۷) را توضیح داده و جواب شهید صدر<sup>(ه)</sup> از آن را بنویسید. جزء دوم ص ۴۲ - ۲ نمره

۲

جواب: برای استدلال به آیه تکلیف بر براءت باید از اطلاق «ما» موصوله فعل و تکلیف اراده شود درعین اینکه مورد خودش مال است. مرحوم شیخ انصاری به این استدلال اعتراض می‌کند که اراده معنای جامع بین مال و فعل و تکلیف از اسم موصول مستلزم محذور استعمال لفظ در اکثر از معناست؛ یعنی اگر مراد از «ما» موصول مال و فعل باشد، نسبت بین فعل (یکلف) و اسم موصول، نسبت فعل به مفعول (آنچه فعل بر آن واقع شده) می‌باشد، در حالی که اگر مراد از «ما»، تکلیف باشد نسبت بین فعل و اسم موصول، نسبت فعل به حالتی از فعل می‌باشد. یعنی مفعول مطلق می‌باشد نه مفعول به. و این دو نسبت هم با هم قابل جمع نیستند و جامعی ندارند، لذا اراده جامع، مستلزم استعمال لفظ موصول در اکثر از معناست. (۱/۵ نمره) جواب شهید: ماده فعل کلفت به معنای ادانه است نه تحکیم شرعی پس تکلیف مفعول به است نه مفعول مطلق، پس محذور استعمال لفظ در اکثر از معنا لازم نمی‌آید. (۰/۵ نمره)

۹- عبارت «ان شمول فقرة الإستدلال فی حدیث الرفع للشبهات الموضوعية و الحکمية يتوقف علی تصویر جامع بین المشکوکین فی الشبهتین؛ فقيل: إن الجامع هو الشيء باعتباره عنواناً ينطبق علی المشکوکین. و قد اعترض صاحب الكفاية علی ذلك بأن اسناد الرفع إلی أحدهما حقیقی و إلی الآخر مجازی و لا يمكن الجمع بین الإسنادین» را توضیح داده، جواب صحیح از اعتراض صاحب کفاية<sup>(ه)</sup> چیست؟ جزء دوم ص ۶۱ و ۶۲ - ۲ نمره

۲

جواب: اگر بخواهیم استدلال بر براءت شرعی بوسیله حدیث رفع شامل شبهات موضوعیه و حکمیه شود باید بتوان «ما»ی موصول را برای معنایی جامع برای هر دو معنای «حکم مشکوک» و «موضوع مشکوک» تصور کرد، حال بعضی معنای جامع را عنوان «شیء» در نظر گرفته‌اند که قابل صدق بر موضوع و حکم می‌باشد و در نتیجه حدیث می‌تواند هر دو شبهه موضوعیه و حکمیه را شامل شود. صاحب کفاية<sup>(ه)</sup> اعتراض کرده‌اند که اسناد رفع به تکلیف، حقیقی و اسنادش به موضوع، مجازی می‌باشد و چون اسناد حقیقی، «نسبة الشيء إلی ما هو له» می‌باشد در حالی که اسناد مجازی، «نسبة الشيء إلی غیر ما هو له» است و این دو نسبت با یکدیگر تغایر ذاتی دارند، نمی‌توانند در یک معنا جمع شوند. (۱/۵ نمره) جواب صحیح: اسناد رفع در هر دو مجازی است زیرا رفع واقعی نیست یعنی مشکوک واقعاً رفع نمی‌شود. (۰/۵ نمره)

۱۰- اشکال مطرح در عبارت «قيل إن جعل الإستحباب المولوی علی الإحتیاط (فی الشک البدوی) لغو لأنه إن أريد به الإلزام بالمشکوک فهو غیر معقول و إن أريد إيجاد محرک غیر إلزامی نحوه فهذا حاصل بدون جعل الإستحباب» را تبیین کنید. جزء دوم ص ۷۶ و ۷۷ - ۲ نمره

۲

جواب: (شهید صدر<sup>(ه)</sup>) معتقد است که با اینکه در موارد شک بدوی، قائل به براءت هستیم ولی احتیاط در آن موارد، دارای استحباب شرعی و مولوی است به این گفتار ایشان اشکال شده است (و گفته شده که جعل حکم غیر الزامی استحباب، در حقیقت برای ایجاد تحریک می‌باشد. در موارد شک بدوی، حکم استحباب در صد ایجاد چه تحریکی است؟ اگر تحریک الزامی به سوی مشکوک باشد که معقول نیست (چون استحباب، حکمی غیر الزامی است و قدرت تحریک الزامی ندارد) و اگر تحریک غیر الزامی به سوی مشکوک باشد که تحصیل حاصل است؛ چرا که چنین تحریکی بدون جعل استحباب هم موجود است چون با وجود «تکلیف مشکوک» و «حکم عقل به حسن احتیاط (و استحقاق ثواب بر آن)» تحریک غیر الزامی وجود یافته است و جعل مجدد آن امکان ندارد.